

## جنسیت مترجم و انعکاس ویژگی‌های زبان زنانه در ترجمه‌های فارسی رمان «اللص و الکلاب»<sup>۱</sup>

ملیکا افروز<sup>۲</sup>، علی بشیری<sup>۳</sup> و زهره قرائی<sup>۴</sup>

### چکیده

وجود زبان زنانه و ویژگی‌های آن موضوعی است که در شاخه‌های مختلف علوم انسانی به آن توجه شده‌است. مطالعات ترجمه نیز از این امر مستثنی نیست. در این راستا، این مطالعه کیفی و توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی جنسیت مترجم و نمود آن در ترجمه رمان «اللص و الکلاب» انجام شد. از منظر دسته‌بندی وون‌فلوتو درباره پژوهش‌های مرتبط با جنسیت و ترجمه، این پژوهش در دسته دوم، یعنی مطالعاتی که در سطح خرد به تحلیل نمونه‌های موردی متون ترجمه‌شده می‌پردازند، جای می‌گیرد. چارچوب نظری این پژوهش اساساً مبتنی بر الگوی لیکاف و ملهم از تقسیم‌بندی فتوحی است. برای انجام این پژوهش، ترجمه‌های این رمان از دو مترجم زن و مرد انتخاب شد و موارد موجود در ویژگی‌های زبان زنانه لیکاف بررسی شدند تا رویکرد مترجم زن و مرد تعیین شود. سپس داده‌ها طبق دسته‌بندی فتوحی مبنی بر پنج الگوی آوایی، واژگانی، دستوری، ارتباطی و بلاغی طبقه‌بندی و کدگذاری شدند. نتایج نشان داد که، مطابق با الگوی لیکاف، کاربرد صفت، واژگان و اصطلاحات ویژه زنان، رنگ، تأکیدکننده‌های جمله، ریزبینی و نگارش جزئیات، رعایت ادب و صناعات بلاغی متفاوت در کلام مترجم زن بیش از مترجم مرد است. باین‌حال، بسامد بالای ویژگی‌های لایه آوایی و لحن روبه‌بالا، استفاده از صورت‌های مبهم زبان، پرسش‌های تأییدخواهانه و گفتمان مشارکتی در ترجمه مترجم زن یافت نشد. همچنین، برخی ویژگی‌ها برخلاف الگوی لیکاف بود. این ویژگی‌ها شامل کاربرد بیش‌تر کلمات مصغر در نوشتار مترجم مرد و استفاده از عبارات عامیانه بود. در نهایت، باتوجه‌به موارد عدم تطابق با ویژگی‌های لیکاف، یافته‌ها از منظر رویکرد جامعه‌شناختی و با در نظر گرفتن مفهوم نقش‌های اجتماعی و تمرکز بر جنسیت به‌عنوان امری متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی بررسی شدند. به-علاوه، یافته‌ها از منظر رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی و مفهوم جنسیت به‌عنوان یک ساخته اجتماعی تبیین شدند.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی لیکاف، جنسیت مترجم، رمان دزد و سگ‌ها، زبان زنانه، مؤلفه‌های اجتماعی

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ پست الکترونیک: [melikaafroz0@gmail.com](mailto:melikaafroz0@gmail.com)

۳. نویسنده مسئول: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ پست الکترونیک: [a.bashiri@kashanu.ac.ir](mailto:a.bashiri@kashanu.ac.ir)

۴. استادیار، گروه انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ پست الکترونیک: [zgharaei@kashanu.ac.ir](mailto:zgharaei@kashanu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

ارتباط میان زبان و جنسیت در رشته‌های مختلفی مانند مطالعات زبانی، جامعه‌شناسی و روانشناسی محل توجه بوده‌است و رویکردهای مختلفی در این باب شکل گرفته‌اند. برای مثال، غذامی (۱۳۸۷) به تساوی جنسیتی در زبان معتقد نیست و بر این باور است که مرد زبان را در سلطه خود دارد و اوست که به زن امکان استفاده از زبان را می‌دهد. در مقابل، برخی دیگر تفاوت‌های میان زبان زن و مرد را طبیعی می‌شمرند و آن را نشان از بالادستی یا فرودستی یکی نسبت به دیگری نمی‌دانند.

یکی از زبان‌شناسان پیشتاز در عرصه بررسی روابط جنسیت و زبان روبین لیکاف است. لیکاف (۱۹۷۵) ویژگی‌هایی را برمی‌شمرد که عمدتاً در کلام زنان دیده می‌شود و ریشه وجود چنین تمایزاتی بین زبان زنان و مردان را عدم توازن در روابط قدرت میان زن و مرد می‌داند. در مطالعات ترجمه، مسئله جنسیت نمودهای مختلفی داشته‌است. از نظر وون‌فلوتو (۱۹۹۷:۲۷)، «مفهوم جنسیت در ساختار بندی بسیاری از زبان‌ها نقش دارد و پنداشت‌های فرهنگی به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی زیربنای دسته‌بندی‌های جنسیتی تأثیر عمیقی بر معنای متن دارد». به اعتقاد او، از آنجا که جنسیت مترجم می‌تواند در تعبیر و برگردان متن به زبان مقصد تأثیر داشته‌باشد، نمی‌توان نقش جنسیت را در فرآیند ترجمه نادیده انگاشت. این مسئله لزوم انجام پژوهش در این زمینه را آشکار می‌کند.

در زبان انگلیسی، رمان‌های مختلفی توسط مترجمان مرد و زن به فارسی ترجمه شده‌است و در نتیجه، شاهد پژوهش‌هایی هستیم که در آن آثار ادبی از منظر جنسیت مترجم بررسی شده‌است. این در حالی است که در زبان عربی کم‌تر رمانی با دو مترجم زن و مرد یافت می‌شود و بنابراین زمینه برای انجام چنین پژوهش‌هایی چندان مساعد نبوده‌است. از طرفی، برای ارائه نتایج قابل‌تعمیم در راستای نمود جنسیت مترجم لازم است این مطالعات در ترجمه به زبان‌های دیگر

نیز انجام شود. همچنین باتوجه به این که عمده این مطالعات در جهت تأیید یا رد نظریه لیکاف صورت گرفته است، فاقد تحلیل‌های مبتنی بر نظریات اجتماعی و روان‌شناختی است. با در نظر گرفتن این شکاف پژوهشی، این جستار به دنبال آن است تا نقش جنسیت مترجم را در ترجمه‌های فارسی یک رمان عربی بررسی کند. به بیانی دقیق‌تر، این پژوهش به بررسی ویژگی‌های سبک زنانه در ترجمه‌های فارسی رمان «دزد و سگ‌ها» توسط بهمن رازانی و محبوبه بادرستانی پرداخته است تا دریابد جنسیت مترجم تا چه اندازه در ترجمه نمود می‌یابد.

## ۲. ملاحظات نظری

از زمان انتشار «زبان و جایگاه زن» اثر لیکاف، ارتباط میان زبان و جنسیت در مرکز توجه قرار گرفت و رویکردهای مختلفی به این مسئله شکل گرفت. لیکاف (۱۹۷۵) چندین مؤلفه را به عنوان شاخصه‌های آنچه او زبان زنانه می‌داند معرفی می‌کند. از نظر او، واژگان نشانگر تردید، پرسش‌های تأییدی، درخواست‌های غیرمستقیم، تشدیدکننده‌ها و استفاده مؤدبانه‌تر از زبان از ویژگی‌های زبان زنانه هستند. همچنین، استفاده از صفات تهی، کاربرد دقیق‌تر رنگ‌واژه‌ها، کاربرد دقیق‌تر دستور زبان و استفاده از لحن روبه‌بالا از دیگر ویژگی‌های زبان زنان است.

فتوحی (۱۳۹۰) از این مؤلفه‌ها تقسیم‌بندی در قالب پنج لایه زبانی آوایی، واژگانی، دستوری و ارتباطی و بلاغی ارائه داده است. در لایه آوایی، زنان لحن روبه بالا دارند. در لایه واژگانی، زنان صورت‌های زبانی بیان‌گر را بیش از مردان استفاده می‌کنند. قید و صفت، بیان‌گر عواطف هستند ولی اسم و فعل دارای دلالت عقلانی است. آن‌ها دقیق‌تر از مردان رنگ‌ها را متمایز می‌کنند و با تأکید حرف می‌زنند. زنان از حسن تعبیر و کلمات مصغر بیشتر استفاده می‌کنند و در سخن آنان صورت‌های غیرصریح و مبهم مانند «یک‌جور» و «یک‌عالمه» پرکاربردتر است؛ همچنین، واژگان زیادی را در ارتباط با علایق خاص خود استفاده می‌کنند. از نظر دستوری، زنان پایبندی بیشتری به دستور دارند. آن‌ها از پرسش‌های تأییدخواهانه استفاده می‌کنند که بیان‌گر

تردید است و از جملات ساده و سؤالات غیرمستقیم و کوتاه استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده نداشتن اعتمادبه‌نفس کامل است. در لایه ارتباطی، زنان غیرمستقیم‌تر و مؤدب‌تر هستند. گفتمان آن‌ها ماهیتی مشارکتی دارد و این برخلاف مردان است که تمایل دارند بر بحث مسلط شوند.

### ۳. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش زنانه‌نویسی را می‌توان در دو حوزه تألیف و ترجمه بررسی کرد. در این مرور، ابتدا مطالعات در ارتباط با کاربرد زبان زنانه در حوزه تألیف و سپس پژوهش‌های مرتبط با بررسی زبان زنانه مترجمان بررسی می‌شود. در حوزه تألیف، می‌توان به پژوهش غلامی و بخشی-زاده (۱۳۹۲) اشاره کرد. آن‌ها با کنکاش در آثار زنان شاعر ایران، ویژگی‌های نحوی و وصفی نوشتار را بررسی کردند و به این نتیجه رسیده‌اند که تکرار اسم، فعل و صفت، پرسش‌های متوالی، حساسیت به رنگ‌ها و علاقه به استفاده از کنایه و ضرب‌المثل از ویژگی‌های برجسته در کلام زنان شاعر است. در همین ارتباط، سرایلو (۱۳۹۶) سبک زنانه را در نوشتار غادة السمان و زویا پیرزاد بررسی کرده‌است.

در زمینه کلی نقش جنسیت مترجم و ویژگی‌های ترجمه، می‌توان چند دسته پژوهش را شناسایی کرد. در برخی مطالعات، از ترجمه‌آموزان زن و مرد خواسته‌اند گزیده‌ای را ترجمه کنند و سپس به ارزیابی ترجمه از منظری خاص پرداخته‌اند. برای مثال، رضوانی و احمدیانفر (۱۳۸۹) در پژوهش خود از تعدادی دانشجو خواستند متن‌های بیانی و اطلاعی را ترجمه کنند تا نقش جنسیت مترجم را در ترجمه دریابند. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار میان سبک نگارش و کیفیت ترجمه متن بیانی زنان و مردان بود. در پژوهشی دیگر، هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی (۱۳۹۶) هم به این نتیجه رسیدند که زنان شیوه خاص زبان زنانه نویسنده اصلی را بهتر درک می‌کنند و وفاداری بیشتری نسبت به مردان در ترجمه دارند.

دسته دیگری از مطالعات به بررسی ترجمه‌های موجود منتشرشده توسط مترجمان زن و

مرد پرداخته‌اند. در این دسته، معمولاً ترجمه‌ها از منظر مشخصی بررسی شده‌اند. برای مثال، برخی به بررسی ارتباط احتمالی بین جنسیت مترجم و صحت ترجمه پرداخته‌اند. پژوهش منافی‌اناری و قدرتی (۱۳۸۸) از این دست است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ترجمه‌های فارسی تفاوت معناداری به لحاظ صحت محتوایی با یکدیگر نداشتند. در همین راستا، مقدس (۲۰۱۳) و امانتی (۲۰۱۶) هم به نتیجه مشابهی رسیدند.

در پژوهشی دیگر، شفیعی‌ثابت و ربیعی (۲۰۱۱) نقش هویت جنسیتی مترجم را در چگونگی توصیف شخصیت‌ها و کلیشه‌های جنسیتی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مترجم زن توصیفات مثبت درباره‌ی شخصیت‌های زن داستان را حفظ کرده و حتی پررنگ‌تر از متن انگلیسی به تصویر کشیده‌است. این در حالیست که مترجم مرد چندان بر این توصیفات متمرکز نبوده و حتی گاهی آن‌ها را کم‌رنگ کرده‌است. تقدمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) هم با بررسی ترجمه‌ی مترجم زن و مرد به این نتیجه رسیدند که برخی ویژگی‌ها مطابق با الگوی لیکاف است، ولی برخی مشخصه‌ها در گفتار مترجم زن و مرد یکسان است. در پژوهشی دیگر، محمدی (۱۳۹۹) تلاش کرده‌است ترجمه‌ی دو اثر توسط عبدالحسین فرزاد را نقد کند. او به این نتیجه رسید که فرزاد برخی از واژگان نویسنده را که مربوط به فضای درون خانه و تجربیات زیستی خاص زنان است به-درستی منتقل نکرده‌است.

اعطار شرقی و نوروز علیایی (۱۳۹۹) به آسیب‌شناسی پژوهش‌های موجود در حوزه‌ی زنانه-نویسی در ایران پرداختند. از جمله کاستی‌هایی که به آن پرداختند این است که عمده‌ی مطالعات در رمان‌های انگلیسی صورت گرفته‌است و بنابراین کمبود آن در ترجمه‌ی رمان‌های عربی احساس می‌شود. به علاوه، طبق تحلیل پژوهشگران، کاستی دیگری که در مطالعات موجود در زبان‌های مختلف به چشم می‌خورد، عدم استفاده از چارچوبی جامعه‌شناختی برای تبیین یافته‌ها است. بنابراین، در راستای پرکردن خلاء پژوهشی، در این مطالعه ترجمه‌های فارسی یک رمان عربی توسط دو مترجم

زن و مرد از لحاظ نمود ویژگی‌های زبان زنانه بررسی شد و یافته‌ها با اتخاذ رویکردی جامعه-شناختی تبیین شد.

#### ۴. روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه کیفی است و با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی‌های سبک زنانه در کار مترجم زن و مرد می‌پردازد. این پژوهش مؤلفه‌های زبان زنانه را اساساً از لیکاف (۱۹۷۵) گرفته‌است. طبق نظر او، واژگان بیانگر تردید، پرسش‌های تأییدخواهانه، درخواست‌های غیرمستقیم، تشدیدکننده‌ها و استفاده مؤدبانه‌تر از زبان ویژگی‌های زبان زنانه هستند. همچنین، استفاده از صفات، کاربرد دقیق‌تر رنگ‌ها، کاربرد دقیق‌تر دستور و استفاده از لحن روبه‌بالا از دیگر ویژگی‌ها هستند. در پژوهش حاضر، از دسته‌بندی فتوحی (۱۳۹۰) برای این ویژگی‌ها در قالب پنج لایه آوایی، واژگانی، دستوری، ارتباطی و بلاغی برای ارائه یافته‌ها استفاده شده‌است.

وون فلوتو<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) پژوهش‌هایی را که در محل تلاقی جنسیت و مطالعات ترجمه انجام می‌شوند به سه دسته تقسیم می‌کند: (۱) پژوهش‌هایی که در تحلیل ترجمه در سطح کلان به جنسیت به مثابه مفهومی اجتماعی-سیاسی می‌نگرند، (۲) پژوهش‌هایی که در مقیاس خرد به تحلیل نمونه‌های موردی متون ترجمه‌شده می‌پردازند و تمرکز آن‌ها بر ظرایف زبانی است که ممکن است در نتیجه جنسیت بروز یابند یا پنهان شوند، و (۳) مطالعاتی که محوریت آن‌ها تأثیر جنسیت بر پرسش‌های اساسی است که درباره ترجمه طرح می‌شوند و به بررسی چگونگی ارتباط این پرسش‌ها به عمل ترجمه می‌پردازند؛ به دیگر بیان، این رویکرد به بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری چارچوب‌های نظری مرتبط با پژوهش در مطالعات ترجمه و ارتباط آن با عمل ترجمه

---

۵. Von Flotow

می‌پردازد. پژوهش حاضر به دسته دوم تعلق دارد. بدین معنا که با اشراف بر متن عربی، نمونه‌های موردی در سطح خرد بررسی شدند و مواردی که جزء ویژگی‌های زبان زنانه تلقی می‌شدند به-دقت بررسی شد و، ضمن مطالعه دقیق‌تر متن عربی، رویکرد مترجم زن و مرد تعیین شد. این موارد با در نظر گرفتن ویژگی‌های زبان زنانه مورد نظر لیکاف و دسته‌بندی فتوحی طبقه‌بندی و کدگذاری شد؛ برای مثال، باتوجه به ویژگی‌های برشمرده شده توسط لیکاف و دسته‌بندی فتوحی، گزاره‌هایی که در آن از رنگ‌واژه استفاده شده بود و مترجم زن و مرد معادل‌های فارسی متفاوتی برگزیده بودند در دسته رنگ‌واژه‌ها در لایه واژگانی قرار گرفتند. لازم به ذکر است از آنجا که لایه ارتباطی و بلاغی مستقیماً در الگوی لیکاف اشاره نشده است و ماحصل انتخاب‌های واژگانی و ساختاری هستند، جداگانه بررسی شدند. برای مثال، کاربرد ادب در لایه ارتباطی و کاربرد کنایه و تعریض در لایه بلاغی مورد بررسی قرار گرفتند.

پیکره این پژوهش را رمان «اللس و الکلاب» و ترجمه‌های فارسی آن تشکیل می‌دهد. نجیب محفوظ این رمان ۱۷۵ صفحه‌ای را با مضمون اگزیستانسیالیستی و تکنیک جریان سیال ذهن در انتشارات مکتبه المصر در سال ۱۹۶۱ منتشر کرده‌است. بهمن رازانی و محبوبه بادرستانی دو مترجم رمان هستند. ترجمه رازانی در سال ۱۳۸۰ در انتشارات ققنوس و ترجمه بادرستانی در سال ۱۳۹۸ در انتشارات علم و دانش به چاپ رسیده‌است. باتوجه به این که در رمان‌های ترجمه شده عربی کم‌تر رمانی وجود دارد که هم مترجم زن و هم مترجم مرد آن را ترجمه کرده باشد، این دو ترجمه رمان انتخاب شدند تا بستری مناسب برای بررسی جنسیت مترجم و نمود احتمالی آن در ترجمه فراهم شود.

## ۵. یافته‌ها و بحث

### ۵,۱ ویژگی‌های زنانه منطبق با الگوی لیکاف

#### ۵,۱,۱ لایه واژگانی

لیکاف (۱۹۷۵) معتقد است که صفت بیان‌گر عواطف است ولی اسم و فعل دلالت عقلانی دارند و زنان قید و صفت را بیش‌تر در کلام خود به کار می‌برند. او معتقد است که زنان بیش‌تر از صفات ساده استفاده می‌کنند. در بررسی ترجمه‌های رمان، کاربرد صفات عاطفی در کلام مترجم زن برجسته بود. در جدول ۱، نمونه‌هایی گزارش شده‌است.

جدول ۱: صفات و واژگان ساده و غیرهسته‌ای

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
المحبوبه رغم إنكارها لی (۷۶).	آن که با وجود انکارش همچنان محبوب است (۷۱).	با اینکه من رو انکار کرد دوست‌داشتنیه (۵۸).
قرأت تلا من الكتب بارشادک، وطالما شهدت لی بالنجابه (۴۶).	به ارشاد تو چندین تل کتاب خوانده‌ام و تو بارها به نجابت من شهادت داده‌ای (۴۷).	من با راهنمایی‌های تو به عالمه کتاب خوندم و همیشه شاهد نجابت من بودی (۳۸).
واقترب منها فوضح لأذنيه أن الصمت يتخلخل بهمسات مفرقة فی السر... وانطلقت من عنف المفاجأة آهتان (۶۶).	حس کرد نجوایی سکوت را می‌شکنند... زن و مرد غافلگیر شده، از تعجب صدایی کردند (۶۵).	درحالی که به آن نزدیک می‌شد، صدای پیچ مشکوکی را شنید... به خاطر این رفتار خشن، آن دو به تته‌پته افتادند (۵۳).
فوضحت أصوات التمطق واحتكاك الأکواب وطققة الصینیة (۱۰۹).	صدای ملچ‌ملچشان همراه با برخورد گیل‌اس‌ها و سروصدای سینی بیش‌تر به گوش می‌خورد (۱۰۱).	صدای ملچ‌ملوچ و به هم خوردن لیوان‌ها و تق‌تق سینی به گوش می‌رسید (۸۱).

مترجم زن با انتخاب واژه‌های «زبل»، «دوست‌داشتنی»، «یه عالمه» و کاربرد نام‌آوا «تق-تق» سعی کرده است بار عاطفی داستان را افزایش دهد، گرچه او بدون توجه به معنای دقیق «سادره» این واژه را ترجمه کرده‌است. اما مترجم مرد آن را در ترجمه نیاورده‌است. در جمله اول، مترجم زن همان صفت «المحبوبه» را تکرار کرده‌است و در نمونه دوم «تلا من الكتب» را به صورت صفتی مبهم ترجمه کرده‌است. در مجموع در شمارش تعداد صفات ترجمه‌شده از سوی



دو مترجم زن و مرد در ۱۶ مورد مترجم زن صفات غیرهسته‌ای و با بار عاطفی بیش‌تر استفاده کرده بود. همچنین بسامد کاربرد نام‌آوا در کلام مترجم مرد ۹ و مترجم زن ۱۴ مرتبه بود.

یکی دیگر از مؤلفه‌ها دقت در کاربرد رنگ‌واژه‌ها است. در جدول ۲ به نمونه‌هایی از تفاوت کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ترجمه مترجم زن و مرد اشاره می‌کنیم.

جدول ۲: کاربرد رنگ

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
فَأَسْنَدَ رَأْسَهُ الْمَقْفَلِ إِلَى يَدِهِ المعروفة الدكناء (۲۵).	سعید سرش را که موهای مجعدی داشت به دست لاغر و تیره رنگش تکیه‌داد (۲۵).	سرش را به دست گندم‌گون و خیس از عرقش تکیه‌داد (۳۱).
وَتَسَلَى بِالنَّظَرِ إِلَى السَّقْفِ الْأَبْيَضِ الْبَاهِتِ الْمَعْرُوقِ وَ كَأَنَّهُ مَرَأَةٌ (۹۸).	سرگرمی‌اش نگرستن به سقف سفید و عرق کرده اتاق بود که مثل آینه (۹۲).	با نگاه کردن به سقف سفید رنگ‌پریده‌ای که انگار آینه است (۷۳).
مبدية عن لونها الأسمر الباهت بلا زواق ... (۱۰۸).	پوست سبزه‌اش که بی‌آرایش در معرض دید بود (۱۰۰).	از رنگ گندم‌گون کم‌رنگ بدون آرایش معلوم بود (۸۰).

در عبارت اول، واژه «الدکناء» توسط مترجم زن «گندم‌گون» و توسط مترجم مرد «تیره-رنگ» ترجمه شده‌است. در فرهنگ آذرنوش (۱۳۹۱) ذیل واژه «دکناء»، رنگ متمایل به تیره، سیه‌فام و سیاه آورده است که با این تفاسیر ترجمه مترجم زن دقیق‌تر است. در عبارت دوم، مترجم مرد واژه «الأبيض الباهت» را «سفید» ترجمه کرده‌است، در صورتی که واژه «الباهت» به معنای «بی‌رنگ، کم‌رنگ و رنگ‌پریده» است. مترجم زن با ترجمه «سفید رنگ‌پریده» این عبارت را دقیق‌تر ترجمه کرده‌است. در نمونه سوم، واژه «أَسْمَر»، با توجه به هم‌نشینی با «الباهت»، نزدیک به گندمی روشن است تا سبزه. نتایج این بخش در راستای مطالعاتی است که در سال ۱۹۸۲ صورت گرفته است. احمد مختار عمر (۱۹۹۶) در بخش «الخصائص اللفظية والتعبيرية» اشاره می‌کند که در سال ۱۹۸۲ پژوهشی روی گروهی از رنگ‌های اصلی و ثانویه انجام شده‌است. این

پژوهش بر سه اصل استوار بود: نام‌گذاری، تطبیق و توصیف تعدادی از رنگ‌واژه‌ها در کلمات. نتایج این پژوهش نشان داد که توانایی زنان در به‌کاربردن رنگ‌واژه‌ها بیش از مردان است و آن‌ها دقت بیشتری در تطابق رنگ با رنگ‌واژه دارند.

از دیگر ویژگی‌هایی که لیکاف (۱۹۷۵) برشمرده است استفاده از تأکید است. اینکه زنان با تأکید حرف می‌زنند شاید در ظاهر متناقض با جملات تأکیدخواهانه زنان باشد که بیان‌گر تردید است. تأکیدکننده‌ها به‌ظاهر سخن را تقویت می‌کنند، اما در حقیقت با محکم‌تر حرف زدن می‌خواهیم مطمئن شویم دیگران ما را درک می‌کنند. در جدول ۳، بسامد تأکید گزارش شده است.

جدول ۳: تشدیدکننده‌ها و تأکید

	فقط (تنها)	اصلاً	هرگز	واقعاً	دقیقاً	هیچ	حقاً	جداً
مترجم مرد	۸	۱	۴	۱	۱	۱۴	۴	۳
مترجم زن	۱۱	۲	۷	۷	۰	۱۴	۰	۰

نتایج این بخش در راستای پژوهش هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی (۱۳۹۶) است. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مترجمان زن ۷۰ درصد و مترجمان مرد ۶۳ درصد به ترجمه تأکیدکننده‌ها پایبند بوده‌اند.

ویژگی دیگر استفاده از اصطلاحات، دشنام‌ها، نفرین‌ها و تکه‌کلام‌هایی مانند «ورپریده»، «ذلیل‌مرده»، و «دق کردن» است (فتوحی، ۱۳۹۰). نتایج نشان داد که مترجم زن در گفت‌وگوها، چه در موقعیت شخصیت زن و چه شخصیت مرد، از دعا و گفتار خاص زنانه استفاده کرده است. گویی با این کار در تلاش است داستان شور و احساس بیشتری بگیرد. نتایج این بخش در راستای مطالعه تقدیمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) است. بدین معنا که کاربرد صورت‌های عاطفی در کلام مترجم زن بیش از مترجم مرد بود. نمونه‌هایی از این نوع گفتار در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: دعا و نفرین و لحن زنانه

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
لَمْ كَفَىَ اللهُ الشَّرَّ.	پناه بر خدا.	<u>خدا خودش رحم کنه.</u>
يا لطف الله (۵۹).	پناه بر خدا (۵۸).	<u>خدا به خیر بگذرونه (۴۷).</u>
فصاحت: ... سوف اموت كمداً (۱۴۴).	زن فریاد زد: ... من از فرط غصه خواهم مرد (۱۲۹).	نور فریاد کشید: ... من آخرش از <u>غصه دق می‌کنم (۱۰۲).</u>
يقول له: يا خبر أبيض! جوعان! (۱۵۴).	(تارزان) گفت: چی؟ گرسنه‌ای؟ (۱۴۱).	(طرزان) گفت: <u>خدا مرگم بده!</u> <u>گرسنه‌ای! (۱۱۰)</u>

عیسی برهومه معتقد است که برخی از مردان در بافت غیررسمی در ارتباط با موضوعات فنی، ورزشی و پروژه‌ها با یکدیگر صحبت می‌کنند. این درحالیست که برخی زنان ترجیح می‌دهند در مورد امور خانواده، دوستان و امور بیرونی و محیطی صحبت کنند؛ همین امر باعث رشد حوزه واژگانی مرتبط با آن موضوع می‌شود (برهومه، ۲۰۰۲: ۱۳۲). استفاده از این نوع واژگان در ترجمه مترجم زن ملموس بود. در جدول ۵، نمونه‌هایی آورده شده‌است.

#### جدول ۵: کاربرد واژگان متعلق به حوزه زنان

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
وتبدت فی فستان أبيض أنيق و شبشب أبيض كشف عن اصابع قدميها المخضوبتين (۱۶).	سرپایی سفید به پا کرده بود که انگشتان حنا گرفته‌اش را نشان می‌داد (۲۳).	در لباسی سفید و شیک و <u>صندل</u> سفیدرنگی که انگشتان <u>لاک‌زده</u> پاهایش را به رخ می‌کشید (۱۷).
وليمه! معى العجاتى وتسباس ومانولى! (۱۰۶)	سور برپاست خوراکی آورده‌ام؛ عجاتی، تسباس و مانولی (۹۸).	مهمونیه. با خودم <u>خاگینه</u> و <u>خوراکی</u> آوردم (۷۸).

«خضاب» به معنای رنگ، حنا و ماده رنگی است (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۲۶۲). در این نمونه کاربرد واژه «لاک‌زدن» نسبت به «مانیکور» در دسترس‌تر است؛ در حالی که می‌توان گفت «مانیکور» از واژگانی است که زنان به‌علت سروکار داشتن‌شان با این امور در گفتارشان کاربرد

بیش‌تری دارد و مردان از این موارد آگاهی کم‌تری دارند لذا در گفتار خود کم‌تر به کار می‌برند. از آنجا که این خوراکی‌ها در فرهنگ عرب شبیه به خاکینه طبخ می‌شود مترجم زن کلمات «عجاتی، تسباس و مانولی» را به شکل معادل کارکردی آن در فارسی اشاره کرده است. در واقع نتایج این پژوهش در جهت تأیید گفته‌ی لیکاف و برهومه است. در مقایسه‌ی یافته‌های این پژوهش با پژوهش جان‌نژاد (۱۳۸۵) مشاهده می‌شود نتایج این پژوهش در راستای پژوهش جان‌نژاد است؛ مبنی بر این که زنان در گفتار خود از لغاتی استفاده می‌کنند که در آن زمینه مجال حرف‌زدن به آن‌ها داده‌اند، برای مثال حوزه‌های مربوط به تربیت فرزند، خانه‌داری و خیاطی.

از دیگر مؤلفه‌های زبان زنان نگارش جزئیات است. طبق نظر فتوحی، زنان بیش‌تر جزئیات را می‌بینند. به بیان دیگر، آن‌ها در آن واحد در یک فضای کوچک چیزهای خرده‌ریز زیادی را مشاهده می‌کنند و همه‌ی موارد را گزارش می‌دهند (فتوحی، ۱۳۹۰). جدول ۶ نگارش جزئیات توسط مترجم زن را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نگارش جزئیات

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
وَدَخَلَ عَلِيْش سَدْرَه فِى جَلْبَابِ فَضْفَاضٍ مِّنْفَخٍ حَوْلِ جَسْمِ بَرْمِيْلِيٍّ، رَافِعًا وَجْهًا مَسْتَدِيرًا مَمْتَلِيًّا لِّلْغَةِ تَحْتَ ذَقْنِ مَرْبَعَةٍ وَ أَنْفِ غَلِيْظِ مَحْطَمِ الْعَرْنِيْنِ (۱۳).	علیش سدره در پیراهنی گشاد که دور هیکل بشکه‌مانندش باد کرده بود، وارد شد. صورتش گرد و پرگوشت بود (۲۰).	علیش سدره در پیراهنی گشاد و پف کرده که اطراف بدن بشکه‌ای مانندش را گرفته بود و صورتی گرد با غبغبی بزرگ زیر چانه مربعی‌شکل و بینی بزرگی که استخوان بالایی‌اش شکسته بود، وارد شد (۱۴).
عندما تخاطب البلايل حجرا أو تداعب النسمة أسنانا مدببة (۶۳).	---	مثل این است که بلبل‌ها برای سنگی آواز بخوانند یا نسیم با دندان‌هایی که لته‌اش پیدا است بازی کند (۵۰).

در بخش‌هایی از ترجمه مترجم مرد می‌بینیم که جزئیات داستان حذف شده است، در صورتی که مترجم زن تمام جزئیات را ترجمه کرده است.

## ۵,۱,۲ لایه ارتباطی

لایه ارتباطی یا کاربردشناختی در واقع تأثیر انتخاب‌های واژگانی و ساختاری مترجم بر کلیت ترجمه است؛ به بیانی دیگر، این لایه با لایه‌های واژگانی و ساختاری ارتباطی تنگاتنگ دارد. رعایت ادب از مقوله‌های بافت کلام می‌باشد و در لایه ارتباطی قابل بحث است. گفته می‌شود زنان به گونه مؤدبانه‌تر و استانداردتر زبان گرایش دارند. در مقایسه دو ترجمه، مصادیقی از گرایش به استفاده از گونه مؤدبانه‌تر در ترجمه مترجم زن نسبت به مترجم مرد مشاهده شد. چند نمونه در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: رعایت ادب

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
لاداعی للتحذیر یا خنفساء (۱۱).	خبر دادن نمی‌خواست <u>خرچسونه</u> (۱۹).	های سوسک هیچ دلیلی برای هشدار دادن وجود ندارد (۱۳).
اسکت یابن الثعلب (۱۲).	<u>خفه شو</u> روباه‌زاده (۱۹).	ساکت باش حقه‌باز (۱۴).
أن نبویة امرأة الخائنة الجبانة... (۱۰۵).	نبویه زن خائن و <u>بزدل</u> ... (۹۷)	آن خیانت‌کار ترسویی که ... (۷۸)

انتخاب واژه «خرچسونه»، «بزدل» و عبارت «خفه شو روباه‌زاده» توسط مترجم مرد در بافت رسمی کاربرد ندارد. در واقع، نسبت حیوانی به انسان دادن در پاره‌ای از مواقع نوعی بی‌ادبی یا خشونت لفظی محسوب می‌شود (کالپیر، ۲۰۱۱). اگر چه از منظر زبانشناسی کاربرد کلمات «سوسک»، «ترسو» و «ساکت باش حقه‌باز» همچنان نشان‌دهنده نوعی بی‌ادبی است اما بعد بی‌ادبانه آن ملایم‌تر شده و به شدت عبارات قبلی نیست.

عیسی برهومه (۲۰۰۲) معتقد است که زنان از نام بردن بعضی اعضای بدن مانند اندام‌های جنسی امتناع می‌کنند. در این پژوهش، ۲۰ نمونه حذف و سانسور در ترجمه مترجم زن یافت شد و اکثر آن در مواردی بود که به توصیف زیبایی‌های نور و معاشقه سعید با او پرداخته بود. در

جدول ۸، به نمونه‌هایی اشاره شده است.

جدول ۸: حذف و سانسور

گزارة عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
وقام وهو یقرص خدھا برقة و یقول (۶۵).	سعید درحالی که به نرمی گونه نور را نیشگون می گرفت، از جا برخاست و گفت (۶۴).	سعید برخاست و گفت (۵۲).
وكانت ثمة فراشة تعانق المصباح العاري فط تلك الساعة من الليل (۱۱۰).	در آن ساعت شب... پروانه‌ای با چراغ گرم معاشقه بود... (۱۰۲).	---
وقبلته كعادتها وانبسطت أساریرها لتلقى بتحية لقاء (۱۴۲).	به عادت خود سعید را بوسید و لبخندی برای درود به لب آورد (۱۲۹).	چین و چروک‌های صورتش از هم باز شد تا سلام کند (۱۰۲).

شریفی فر و زند (۱۳۹۲) حذف و یا تعدیل بعضی از واژگان جنسیتی از سوی مترجم زن را تأییدی بر رعایت ادب دانسته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مترجمان زن با انتخاب معادل‌های دقیق نسبت به متن وفادارتر بوده‌اند اما در مقابل برخی تابوشکنی‌ها دست به حذف آن‌ها زده‌اند که این نتایج در تناقض با یکدیگر است. در حقیقت آن‌ها حذف تابوها را تأییدی بر رعایت ادب در کلام زنان دانسته‌اند. اما اینکه این حذفیات را صرفاً به‌عنوان مؤلفه زبان زنانه در نظر بگیریم کمی مغرضانه است و از کاستی‌هایی است که اعطارشرقی (۱۳۹۹) به‌عنوان پیش‌داوری پژوهشگران در مطالعات زنانه‌نویسی بیان می‌کند چرا که محدودیت و ضوابط انتشارات در ایران در این امر تأثیرگذار است.

### ۵,۱,۳ لایه بلاغی

این لایه گرچه مستقیماً در الگوی لیکاف اشاره نشده است، اما با سایر لایه‌ها هم‌پوشانی دارد. گفته می‌شود زنان غیرمستقیم صحبت می‌کنند. کاربرد صناعت‌های بلاغی در سخن زنان

جنسیت مترجم و انعکاس ویژگی‌های زبان زنانه ... ۱۰۵

متفاوت‌تر است. گفته می‌شود اغراق در سخن زنان بیش‌تر است، اگرچه در زبان فارسی مطالعه دقیق‌تری در این مورد صورت‌نگرفته است و نمی‌توان با قاطعیت این فرض‌ها را پذیرفت (فتوحی، ۱۳۹۰). در بررسی ترجمه‌ها مجموعاً ۱۳ مورد اغراق و تعریض در کلام مترجم زن و ۴ بار در کلام مترجم مرد یافت شد. جدول ۹ نمونه‌هایی از استفاده از صنایع بلاغی در زبان مترجم زن در مقایسه با مترجم مرد را نشان می‌دهد.

جدول ۹: اغراق و کنایه

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
خير البر عاجلة، الساعة وقبل أن يفیق من دهشته (۴۸).	بهرتر از نیکوکاری عجله در آن است (۵۰).	در کار خیر هیچ حاجتی به استخاره نیست (۴۰).
خیانة لثیمة لو أندک المقطم علیها دکا ما شفیت نفسی (۴۷).	خیانت توأم با پستی که زخمش بدین آسانی‌ها التیام نخواهد یافت (۴۹).	خیانت پستی‌ه. اگه کوه مقطع هم به- خاطرش تکه‌تکه بشه باز من راحت نمی‌شم. (۴۰)
لاترنی وجهک مرة أخری (۵۶).	دیگر خودت را به من نشان نده (۵۶).	دیگه ریختت رو نبینم (۴۵)
أحطک فی عینی وأکل علیک (۹۵).	تو را روی چشمم نگاه می‌دارم و رویت سرمه می‌کشم (۸۸)	قدمت روی چشم (۷۲).

## ۵.۲ ویژگی‌های زنانه غیرمنطبق با الگوی لیکاف

لیکاف معتقد است زنان بیش از مردان از کلمات مصغر استفاده می‌کنند. او همچنین معتقد است زنان پایبندی بیشتر به دستور زبان دارند و کم‌تر از کلمات شکسته استفاده می‌کنند (لیکاف، ۱۹۷۵). همان‌طور که در جدول ۱۰ گزارش شده، نتایج این مطالعه نشان‌داد که کاربرد کلمات مصغر در نوشتار مترجم مرد بیش‌تر است و، بالعکس، چنانچه جدول ۱۱ نشان می‌دهد مترجم زن از شکسته‌نویسی بیش‌تر استفاده کرده‌است.

جدول ۱۰: کلمات مصغر

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
أنسیت أننی أب؟... وأن ابنتی الصغیره عند علیش؟ (۱۱).	فراموش کرده‌ای که من پدرم؟... <u>دخترک من پهلوی علیش</u> است (۱۹).	یادت رفته من پدرم و دختر کوچیکم پیش علیشه؟ (۱۳).
وظهرت البنت بعینین داهشتین بین یدی الر جل (۱۶).	<u>دخترک</u> با چشمانی شگفت‌زده جلوی در ظاهرشد (۲۳).	دختر با چشمانی متعجب در برابر مرد ظاهرشد (۱۷).

نمونه‌هایی از استفاده از شکسته‌نویسی در کلام مترجم زن در جدول زیر آمده‌است:

جدول شماره ۱۱: شکسته‌نویسی و جملات پیچیده

گزاره عربی	ترجمه بهمن رازانی	ترجمه محبوبه بادرستانی
ثم لیکن ما یکون (۱۳۲).	هر چه پیش آید خوش آید (۱۲۰).	هر چی می‌خواد بشه، بشه (۹۵).
أقرب مما تتصورین! (۱۵۱).	زودتر از آن‌که تصورش را بکنی (۱۳۸).	زودتر از اونچه که تصورش رو بکنی (۱۰۸).
لاترنی وجهک مرة اخری (۵۶).	دیگر خودت را به من نشان نده (۵۶).	دیگه ریختت رو نبینم (۴۵).

موارد عدم تطابق با الگوی لیکاف را می‌توان از دو منظر توجیه کرد. اول اینکه همان‌طور که هولمز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند بروز ویژگی‌های زنانه و مردانه در زبان بیشتر متأثر از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و نقش‌هایی است که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند. بنابراین، با تغییر نقش‌ها در جوامع امروزی، مرز میان زبان زنانه و مردانه کم‌رنگ‌تر می‌شود. به‌علاوه، می‌توان این مشاهدات را از منظر رویکرد پویا یا ساخت‌گرایی اجتماعی به مطالعات مرتبط با جنسیت و زبان نیز توجیه کرد (کوتس، ۲۰۱۳).



### ۵.۳ ویژگی‌های زنانه ناموجود در ترجمه مترجم زن

لحن روبه‌بالا و دمش بیشتر از جمله ویژگی‌های آوایی زبان زنان است که در سؤالات تأییدخواهانه نمود می‌یابد. در این قبیل جملات، آهنگ خیزشی شنیده می‌شود. این افت و خیز صدا<sup>۶</sup> در نوشتار نشان داده نمی‌شود و یا دست کم کاربرد جملات تأییدخواهانه را باید در رمان‌هایی جست‌وجو کرد که زنان نوشته‌اند. به‌علاوه، طبق مؤلفه‌های لیکاف، زنان از صورت‌های غیرصحيح و مبهم استفاده می‌کنند، ولی در ترجمه مصداقی برای آن یافت نشد. گفتمان مشارکتی زنان و میل به تسلط بیش‌تر مردان در بحث نیز مشخصه‌ای بود که نمونه‌ای از آن در ترجمه‌ها یافت نشد.

### ۶. نتیجه‌گیری

در این جستار، باتوجه‌به الگوهای نظریه لیکاف، ویژگی‌های زبانی منتسب به زبان زنانه در رمان استخراج شد. برخی از نتایجی حاصل از این جستار با الگوی لیکاف همسو بود (برای مثال، کاربرد صفات، واژگان خاص حوزه زنان، کاربرد رنگ‌واژه، تأکیدکننده‌ها، ریزبینی، رعایت ادب و کاربرد صناعات بلاغی). مترجم زن با انتخاب برخی واژگان به ویژه نام‌آواها و صفات غیرهسته‌ای با بار عاطفی بیش‌تر داستان را از فضای اصلی سوررئال و سردرگم خود خارج کرده‌است، خواننده را درگیر متن کرده و صدای احساس را بازتاب می‌کند. نگارش دقیق جزئیات میزان تعهد نسبت به متن اصلی را در ترجمه مترجم زن نشان می‌دهد. مترجم زن با ترجمه جزئیات حوادث داستان و شخصیت‌ها نسبت به متن وفادارتر بوده است اما در مقابل برخی تابوشکنی‌ها دست به حذف زده است. البته، باید خاطر نشان کرد که ویژگی‌های زبان زنان و مردان کاملاً متفاوت نیست، بلکه به - نظر می‌رسد عمدتاً بسامد کاربرد یک ویژگی واحد است که در کلام یکی بیش از دیگری نمود

می‌یابد.

در این مطالعه، کاربرد لایه آوایی و لحن روبه‌بالا، صورت‌های مبهم زبان، پرسش تأییدخواهانه و گفتمان مشارکتی یافت نشد و کاربرد کلمات مصغر و عدم استفاده از عبارات عامیانه در گفتار مترجم زن منطبق بر الگوی لیکاف نبود. از آنجا که از منظر جامعه‌شناسی زبان تفاوت‌ها در ویژگی‌های گفتار زن و مرد بیشتر ریشه در ساختار اجتماعی و فرهنگی دارد و بیانگر تفاوت در روابط قدرت می‌باشد (لیکاف، ۱۹۷۵)، شاید بتوان استدلال کرد که موارد عدم تطابق هم نشان از تغییر در این روابط است. همان‌طور که هولمز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند، بروز ویژگی‌های زنانه و مردانه در زبان بیش‌تر متأثر از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و نقش‌هایی است که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند. او ضمن تأکید بر تمایز دو واژه انگلیسی sex و gender، که اولی براساس تمایزهای زیست‌شناختی و دومی براساس شاخصه‌های اجتماعی-فرهنگی است، اذعان می‌دارد که فلسفهٔ چنین تمایزی این است که جنسیت امری متأثر از اجتماع و فرهنگ است و به تبع آن انتساب افراد به لحاظ جنسیت به دو دستهٔ مطلق زن و مرد ناکارآمد است. از نظر او، ویژگی‌های زنانه و مردانه، و به بیانی جنسیت را، باید در قالب یک پیوستار دید که در آن رفتارهای زنانه و مردانه هر یک به شکل یک نقطهٔ مجزا نمود نمی‌یابند، بلکه به شکل گرایش‌هایی در حال نوسان هستند. از آنجا که جنسیت متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی است، با تغییر نقش‌های زن و مرد در جوامع امروزی، مرز میان زبان زنانه و مردانه کم‌رنگ‌تر شده‌است. برای مثال، هرچه به سمت مدرنیته پیش می‌رویم و با تغییر نقش‌هایی که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند، تغییرات به زبان نیز راه پیدا می‌کنند و گفتار زنان و مردان نسبت به گذشته به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود.

به‌علاوه، می‌توان به موارد عدم تطابق از منظر رویکرد پویا یا ساختگرایی اجتماعی<sup>۷</sup> نگریست. طبق رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی به زبان و جنسیت، هویت جنسیتی و نقش‌های

جنسیتی از رهگذر تعاملات اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و روابط در حال تغییر قدرت ساخته می‌شوند. در این فرآیند، زبان ابزار مهمی است و از طریق آن افراد هویت‌شان را ابراز می‌کنند و روابط اجتماعی‌شان را شکل می‌دهند. بنابراین، مفهوم «زبان زنانه» به معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌های یکدست و ثابت زبانی، مشکل‌ساز خواهد بود، چراکه امکان تنوع زبانی و عاملیت را در شکل‌دهی به کنش‌های ارتباطی از زنان سلب می‌کند (تنن، ۱۹۹۴؛ کوتس، ۲۰۱۵).

در پایان، باید در نظر داشت عوامل دیگری نیز در چگونگی ترجمه نقش داشته‌اند که مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. برای مثال، ممکن است دلیل برخی مشاهدات عواملی نظیر محدودیت‌های چاپ و نشر، و نه لزوماً جنسیت مترجم، باشد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تعداد کم رمان‌های عربی ترجمه‌شده به فارسی با دو مترجم زن و مرد اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود، در صورتیکه در آینده به شمار این آثار افزوده شود، پژوهشگران آثار ترجمه‌شده جدید با دو مترجم زن و مرد را موضوع پژوهش خود قرار دهند و به اعتباربخشی بیشتر به مطالعات موردی کمک کنند.

## منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. نشر نی.
- اعطارشرقی، نوید، و نوروزعلیائی، فائزه (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مطالعات سبک نوشتار زنانه و تأثیر جنسیت بر ترجمه و تألیف در ایران. جستارهای زبانی، ۲، ۱۸۵-۲۳۰.
- برهومه، عیسی (۲۰۰۲). اللغة والجنس. دارالشروق.
- تقدمی‌نوغانی، زهرا، و عزتی، ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان. مطالعات داستانی، ۴(۱)، ۴۰-۲۵.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۵). تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در برخی موقعیت‌های تعامل مکالمه‌ای بر پایه میزان کلام. پژوهش‌های زبان خارجی، ۳۴، ۳۱-۴۵.
- رضوانی، رضا، و احمدیانفر، محبوبه (۱۳۸۹). نقش تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت ترجمه: بررسی سبک نگارش مترجمان زن و مرد. مطالعات زبان و ترجمه، ۲، ۱۳۳-۱۵۳.
- سرایلو، زینب (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سبک زنانه در آثار داستانی غادة السمان و زویا پیرزاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی.

- شریفی‌فر، مسعود، و زند، فاطمه (۱۳۹۲). تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های فرهنگی-جنسیتی بر ترجمه. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۳، ۱۴۲-۱۶۵.
- عمر، احمد مختار (۱۹۹۶). *اللغة واختلاف الجنسين*. عالم الكتب.
- غذامی، عبدالله (۱۳۸۶). زن و زبان. ترجمه هدی عوده‌تبار. گام نو.
- غلامی، حمیده، و بخشی‌زاده، معصومه (۱۳۹۲). شعر زنانه ایران و سبک گویش زنانه. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ۲۲، ۲۴۴-۲۲۵.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. سخن.
- محفوظ، نجیب (۱۹۶۱). *اللص و الكلاب*. دارالشروق.
- محفوظ، نجیب (۱۳۸۰). *دزد و سگ‌ها*. ترجمه بهمن رازانی. ققنوس.
- محفوظ، نجیب (۱۳۹۸). *دزد و سگ‌ها*. ترجمه محبوبه بادرستانی. علم و دانش.
- محمدی، اویس (۱۳۹۹). بررسی تغییر زبان زنانه در ترجمه شعرهای غاده السمان به فارسی. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۲۳، ۹۱-۱۱۸.
- هادی‌پور، هدی، و بهرامی‌نظرآبادی، نجمه (۱۳۹۶). زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی کاغذ دیواری زرد. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۲، ۶۰۲-۵۸۹.
- Amanati, L. (2016). The translator's gender and its impact on the translation accuracy of narrative style. *The Social Sciences*, 11(9), 2144-2150.
- Coates, J. (2013). *Women, men and language* (3<sup>rd</sup> ed.). Routledge.
- Coates, J. (2015). *Language and gender: A reader* (2<sup>nd</sup> ed). Wiley.
- Culpeper, J. (2011). *Impoliteness: Using language to cause offence*. Cambridge University Press.
- Holms, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics* (4<sup>th</sup> ed.). Routledge.
- Lakoff, R. (1975). Language and woman's place. *Language in Society*, 1(2), 45-80.
- Moghaddas, B. (2013). The effect of gender on translation accuracy of Iranian English translators. *International Journal of Management and Humanity Sciences*, 2(3), 227-236.
- Shafiee-Sabet, S.G., & Rabeie, A. (2011). The effect of the translator's gender ideology on translating Emily Bronte's *Wuthering Heights*. *Teaching English as a Second Language Quarterly*, 3 (3), 143-158. [10.22099/jtls.2012.381](https://doi.org/10.22099/jtls.2012.381)
- Tannen, D. (1994). *You just don't understand: Women and men in conversation*. Ballantine Books.
- von Flotow, L. (1997). *Gender in translation*. Routledge.
- von Flotow, L. (2010). Gender in translation. In Y. Gambier, & Doorslaer, L.V. (Eds.), *Handbook of Translation Studies* (pp. 129-133). Benjamins.